

## تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام

ثریا معمار / استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

### چکیده

هدف مقاله حاضر، واکاوی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت علی علیه السلام، به‌ویژه درباره عدالت است. این مقاله سعی دارد مفهوم عدالت و ابعاد آن را از دیدگاه ایشان بررسی کند. در این مطالعه، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از متن کتاب نهج‌البلاغه، به‌مثابه متن اصلی، مقوله‌های مرتبط با عدالت استخراج گردید. یافته‌های تحلیل محتوا نشان می‌دهد مفهوم عدالت، کلیدی‌ترین و باارزش‌ترین مفهوم در نظام فکری، و مبنایی‌ترین اصل در سلوک سیاسی - اجتماعی ایشان است. در دیدگاه حضرت علی علیه السلام، عدالت امری اجتماعی است و در تمامی ارکان جامعه با مفاهیم حق، نیاز، شایستگی، مساوات و برابری گره خورده است. عبارات مختلف نهج‌البلاغه درباره عدالت، نشان می‌دهد نگاه حضرت به مفهوم عدالت، نه نگاه محافظه‌کارانه و انطباق با وضع موجود و نه نگاه صرف مساوات‌گرایانه است. انطباق پاداش‌های اجتماعی و مادی برحسب تلاش فردی، ارج نهادن حاکم عادل به شایستگی‌های افراد، و رفع حداقل نیاز همه افراد جامعه در عین پذیرش خلقت برابر انسان‌ها، فضای مفهومی عدالت علوی را از دیدگاه مساوات‌گرایی و برابری‌گرایی مرسوم در ادبیات سیاسی رایج غرب متمایز می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** حضرت علی علیه السلام، عدالت، قدرت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی،

عدالت سیاسی.

## مقدمه

حضرت علی علیه السلام بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های جهان اسلام است. آنچه آن حضرت را به‌عنوان یک مبارز اجتماعی - سیاسی و یک اندیشمند معرفی می‌کند، اندیشه‌ها و تفکرات ایشان درباره عدالت است؛ به‌گونه‌ای که در ذهن بسیاری، عدالت و علی علیه السلام با هم مترادف‌اند و با یکدیگر درک می‌شوند. گرچه در آیین محمد صلی الله علیه و آله عدالت، اندیشه‌ای پویا و ریشه‌دار است، اما حضرت علی علیه السلام این اندیشه را به‌منزله یک استراتژی سیاسی و یک برنامه اجتماعی به‌کار گرفت و به‌عنوان یک خط‌مشی در دل تاریخ از خود به‌جای گذاشت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از عدالت‌خواهان، همواره از منش و کلام ایشان بهره‌ها برده و به‌عنوان الگو به ایشان افتدا کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام در مقام زمامدار جامعه اسلامی، به‌منظور تحقق‌بخشی به آرمان بزرگ عدالت، سخت کوشیدند و در طول زمامداری خود، معنای عدالت و ابعاد و راهکارهای اجرایی آن را در سه حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع، مشخص کردند و در حافظه تاریخی جامعه ما به یادگار گذاشتند. منش و طریقه عمل ایشان در طول مدت حکومت، الگویی مناسب برای دریافت معنا و طریقه اجرایی عدالت است. شناخت نوع نگاه حضرت به این مقوله، به‌ویژه در جامعه اسلامی امروز که دغدغه اجرای عدالت را دارد، ضروری به‌نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، بازگشت معرفتی به ریشه‌های هویت اصیل اسلامی، دید ما را عمیق‌تر، و تلاش ما را در نزدیک‌تر شدن به جامعه آرمانی اسلامی قرین توفیق بیشتر می‌کند.

## پیشینه تحقیق

موضوع عدالت حضرت علی علیه السلام، در آثار مکتوب همواره مورد توجه پژوهشگران گوناگون بوده و ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن، به‌ویژه از دیدگاه تاریخ اسلام، بحث و بررسی شده است. از میان آثار منتشرشده در دوران معاصر، در اغلب آثار تاریخی، موضوع عدالت یکی از فصول مورد بحث است. از جمله این آثار تاریخی، می‌توان به فروغ/ابدیت سبحانی (۱۳۷۳)، تاریخ اسلام منتظرالقائم (۱۳۸۴)، امام علی علیه السلام جرداق (۱۳۲۲) و الغارات ابن‌هلال ثقفی (۱۳۷۱) اشاره کرد.

از میان آثار اجتماعی، آثار نویسندگانی چون مطهری و شریعتی در صدر قرار دارند و ایشان بیشترین همت خود را صرف شناساندن افکار اجتماعی حضرت کرده‌اند. مطهری (م. ۱۳۵۸) در *بیست گفتار*، موضوع عدالت حضرت را نوعی فلسفه اجتماعی دانسته و به تشریح دقیق اصل عدل در اسلام، مبانی حقوق اسلامی، دیدگاه حضرت درباره حقوق اجتماعی مردم، تحلیل مقوله احترام به حقوق اجتماعی، تحقیر دنیا، بررسی رابطه اخلاق و عدالت، و تعریف عدالت از نظر علی علیه السلام پرداخته است. همچنین ایشان در مبحث حکومت و عدالت، در *سیری در نهج البلاغه* (۱۳۵۴) رابطه حکمران و مردم را تحلیل کرده است. شریعتی (م. ۱۳۶۲) نیز در اغلب آثار خود، درباره عدالت حضرت سخن گفته است. از جمله این آثار می‌توان به *علی حقیقتی بر گونه اساطیر*، *قرن ما در جست‌وجوی علی*، و *علی تنهاست*، اشاره کرد. شریعتی با توجه به دغدغه‌های اجتماعی و فلسفی انسان امروز، عدالت علی علیه السلام را الگوی زندگی در جهان امروز معرفی می‌کند و ضرورت شناخت دقیق افکار و اندیشه‌های ایشان را در جهان حاضر یادآور می‌شود.

از میان آثار سیاسی می‌توان به *اسلام و سیاست شیرازی* (۱۳۸۵) و *مدیریت و سیاست رهبر* (۱۳۶۶) اشاره کرد. شیرازی ذیل مباحثی تحت عنوان سیاست حضرت در ابعاد مختلف، سیاست آزادی در اسلام، سیاست اسلام در زمینه تأمین اجتماعی، و سیاست اسلام درباره هیئت حاکمه، مصادیق و موارد زیادی از منش و دیدگاه‌های عادلانه حضرت را بیان کرده است. رهبر نیز در اثری تحت عنوان *مدیریت و سیاست*، خطبه معروف امام به مالک اشتر را از دیدگاه سیاسی، در زمینه نحوه حکومت زمامدار اسلامی، رابطه زمامدار با مردم، انتظارات حکومت از کارگزاران در جامعه اسلامی و... به‌طور مبسوط بحث کرده است. قربانی (۱۳۶۰) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق از دیدگاه نهج البلاغه»، موضوع حقوق و اقسام وظایفی را که افراد جامعه در قبال یکدیگر دارند، به بحث گذاشته است. نویسنده با استناد به فرموده‌های حضرت، حقوقی را که مردم در جامعه باید از آن برخوردار باشند، بیان می‌کند. جعفری (۱۳۶۹) در *حکمت اصول سیاسی اسلام*، ضمن ترجمه و تفسیر

فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام، ذیل مباحثی چون تساوی مردم در جامعه، حق کرامت انسان، معنای آزادی، رابطه زمامدار اسلامی با مردم جامعه، و گسترش و استقرار عدالت در جامعه، به تشریح مفصل این خطبه و تحلیل اصولی که حضرت در این خطبه اشاره کرده‌اند، می‌پردازد. کرمی و دیرباز (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت اقتصادی» به تشریح مفهوم عدالت، اهمیت و آثار عدالت، راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی، و موانع تحقق عدالت اقتصادی می‌پردازد. حسینی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیره اقتصادی امام علی علیه السلام» به تحلیل رفتارهای اقتصادی در موضوعاتی چون تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مصرف و مشارکت‌های اجتماعی می‌پردازد. حکیم‌آبادی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «دولت و سیاست‌های اقتصادی»، وظایف دولت را از دیدگاه حضرت تحلیل کرده است. مهم‌ترین وظایف دولت علوی، تعلیم و تربیت، حفاظت از دین و مبارزه با بدعت‌ها، ایجاد امنیت، تأمین اجتماعی، مبارزه با تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های اقتصادی، عمران و آبادی، افزایش رفاه و درآمدهای مردم، و نظارت بر بازار و تنظیم آن است. پورعزت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خطمشی‌گذاری معطوف به عدالت»، با استفاده از روش تحلیل منطقی، پنج اصل زیربنایی و نوزده قضیه منطقی معرف عدالت را برای خطمشی‌گذاری عمومی ارائه کرده است. در مجموع، در همه آثار بر اجرای عدالت در عرصه نظر و عمل از سوی حضرت تأکید شده است. این مطالعه، ضمن بهره بردن از آثار یاد شده، با دیدی جامعه‌شناسانه به تحلیل اندیشه‌های ایشان می‌پردازد.

## ادبیات موضوع

### عدالت در اندیشه سیاسی غرب

#### آموزه‌های محافظه‌کاری

در سنت محافظه‌کاری، انسان‌ها طبعاً از حیث توانایی و استعداد با هم تفاوت دارند. بنابراین، نابرابری اجتماعی و اقتصادی پدیده‌ای طبیعی است و هر کوششی برای از

میان برداشتن نابرابری‌های اجتماعی، به شکست خواهد انجامید؛ زیرا نابرابری، ریشه در طبع انسان دارد. افزون بر این، نابرابری‌های اجتماعی لازمه رشد و پیشرفت جامعه است. نفس امکان نابرابر بودن با دیگران، انگیزه کار و تلاش فردی است. از لحاظ سیاسی، کوشش برای ایجاد برابری مصنوعی در جامعه، به استبداد می‌انجامد. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰)

اما لاک در کتاب *برابری اجتماعی*، و نیز در کتاب *کار و رفاه عمومی* معتقد است: نظریه برابری اجتماعی سفسطه‌ای بیش نیست؛ زیرا برابری به معنای پایان ترقی است. در تاریخ، هر پیشرفتی، چه در زمینه اقتصادی و چه در عرصه فرهنگی، محصول خواست انسان‌ها برای نابرابری بوده است. اگر امید و امکان نابرابری نباشد، افراد از حد تلاش برای معاش فراتر نمی‌روند. امکان نابرابری، پیدایش سرآمدان و فرزندان را ممکن می‌سازد؛ و برابری برای هیچ‌کس سودمند نیست. نابرابری، محرک اصلی تولید ثروت در جوامع متمدن است؛ در حالی که مساوات طلبی، انگیزه تولید را از بین می‌برد. (همان، ص ۲۰۰)

### آموزه‌های لیبرالیسم

طرف‌داران آموزه‌های لیبرالی، آزادی را به صورت مفهومی مطلق در نظر می‌گیرند و قلمرو آزادی فردی را با قید «التزام به عدم نقض آزادی دیگران» محدود می‌سازند. بین آزادی و برابری، سازگاری وجود ندارد؛ در حالی که درک آزادی واقعی، مستلزم برخورداری از حداقل رفاه است. (استربا، ۱۹۹۹م، ص ۵) بزرگ‌ترین هدف از مبارزه در راه آزادی، برابری در پیشگاه قانون بوده است. برابری قواعد عام حقوقی، تنها نوع برابری است که به آزادی رهنمون می‌شود و تنها برابری است که بدون از بین بردن آزادی می‌توان آن را نگاه داشت. آزادی، نه تنها با دیگر انواع برابری مناسبتی ندارد؛ بلکه اگر بتواند، نابرابری را در جنبه‌های متعددی ایجاد و تقویت می‌کند. (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۱۳۳-۱۳۴)

### آموزه‌های سوسیالیسم

در آموزه‌های سوسیالیسم، عدالت در مفهوم توزیعی آن مد نظر است. نابرابری‌های اجتماعی، محصول نظام تولیدی و روابط مبتنی بر استثمار انسان از انسان استوار است که به منظور تصاحب کالاهای کمیاب شکل می‌گیرد.

تمامی جوامع در گذشته و حال، به دو دسته، آنانی که مالک و کنترل‌کننده وسایل تولیدند و آنهایی که فقط مالک نیروی کار خود هستند، تقسیم شده است. طبقه مالک، به واسطه منابع اقتصادی، از قدرت کنترل توزیع ثروت در جامعه برخوردار است. قدرت عظیم اقتصادی طبقه مالک، این امکان را برایش فراهم می‌کند که کنترل سایر نهادهای اجتماعی را در اختیار گیرد و از اقتدار و نفوذ فراوانی در جامعه برخوردار شود. طبقه مالک، از قدرت اقتصادی سیاسی و فرهنگی‌اش در جهت پیشبرد منافع اجتماعی و حفاظت از اساس قدرتش استفاده می‌کند. (سیدمن، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

وجود نابرابری‌ها جامعه را به سوی ستیزه و کشمکش بر سر کسب منافع، و طبقات زیر سلطه را به سمت شورش و انقلاب سوق می‌دهد. بنابراین، از نظر مارکس، مشکل اساسی، نابرابری در توزیع امکانات است که با انقلاب طبقات زیر سلطه از میان می‌رود. وی جامعه‌ای را متصور بود که در آن نابرابری وجود ندارد و هرکس به اندازه نیاز و کارش، از منابع و امکانات برخوردار است. «مارکس توزیع مبتنی بر نیازهای واقعی افراد را عادلانه می‌داند و در این میان، سهمی برای شایستگی‌های افراد قایل نمی‌شود». (سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

### اندیشه‌های لیبرال دموکراسی

#### فایده‌گرایان

در دیدگاه فایده‌گرایان، خیر کلی جامعه، از خیر یکایک اعضای آن تشکیل می‌شود. بر اساس این اصل، تضمین عدالت تابع محاسبات منافع اجتماعی می‌شود. وضعیتی درست و عادلانه است که در آن بیشترین رضایت خاطر برای بیشترین افراد و

اعضای جامعه فراهم گردد. در دیدگاه فایده‌گرایی، نحوه تعریف فایده نهایی و تضاد برابری عامه با منافع فردی و نیز تعارض آزادی فردی و حداکثرسازی فایده اجتماعی، لاینحل مانده است. (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۶۷ / پورعزت، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

### قراردادگرایان

هابز و هیوم، در سده‌های هفدهم و هجدهم مهم‌ترین نمایندگان نظریه قراردادی بودن عدالت بودند. به نظر هابز، عدالت عبارت است از: عمل به تعهداتی که فرد از سر نفع‌طلبی به آنها رضایت داده است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام‌بخش مکتب اصالت فایده بود، عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید. «هابز، عدالت را همچون فضیلتی اخلاقی می‌دانست که در گروه عادت‌های مردم در اجرای قراردادهای وفای به پیمان‌های اجتماعی است. بنابراین، وضعیتی درست و عادلانه است که در آن بیشترین رضایت خاطر برای بیشترین افراد و اعضا فراهم گردد».

(بختیاری، ۱۳۸۰، ص ۹۴)

از دیدگاه فریدریش هایک، عدالت به مفهوم معنادار آن، فقط به اعمال قابل اطلاق است، نه به وضعیت‌ها. به علاوه، هدف قواعد عدالت، منع بی‌عدالتی افراد در حق یکدیگر است، نه ایجاد وضعیت عادلانه، که به هر حال نامتصور است. حکومت قانون می‌باید در برخورد برابر و یکسان با افراد، به منزله موجودات و مصادیق ناشناس و معین، به نابرابری آنان در داشتن امکانات بی‌اعتنا باشد. کوشش برای یکسان‌سازی و حذف این‌گونه تفاوت‌ها و نابرابری‌های اولیه، خود موجب رفتار نابرابر و متفاوت با افراد می‌گردد. به نظر هایک، اندیشه عدالت توزیعی مبتنی بر رفع نیازها و رعایت شایستگی‌ها، بی‌بنیاد و غیرعملی است. همه نیازها در یک سطح و قابل مقایسه با یکدیگر نیستند؛ زیرا معیاری عقلانی برای رسیدگی متناسب با نیازمندی‌ها وجود ندارد. ارزیابی شایستگی‌ها نیز سرانجام سلیقه‌ای از کار درمی‌آید. بنابراین، عدالت توزیعی، مبتنی بر معیارهای ذهنی و اعمال سلیقه‌ای و بی‌قاعده خواهد بود. مهم‌تر از همه اینکه اندیشه عدالت توزیعی، تطابق میان خدمت و پاداش را که ضامن کفایت اقتصادی است، درهم می‌شکند. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۹۲-۹۳)

جان رالز، از مهم‌ترین فیلسوفان سیاسی سده بیستم است که نسلی از اندیشمندان سیاسی از او الهام گرفته‌اند. جوهر اندیشه رالز، عدالت به‌مثابه انصاف است که با تأکیدات متفاوت در آثار او آمده است. وی دو اصل عدالت را به‌مثابه اصول اخلاقی اولیه لیبرال دموکراسی مطرح می‌کند. در اصل اول، از آزادی برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند. اصل دوم، ناظر به این است که در چه وضعی می‌توان گفت نابرابری‌ها موجه و عادلانه‌اند. بر مبنای اصل اول - که اصل بیش‌ترین آزادی برابر خوانده می‌شود - حقوق سیاسی و مدنی هرکس برابر با دیگران است؛ در حالی که بر طبق اصل دوم، نابرابری‌های اقتصادی باید چنان تنظیم شود که ممکن نباشد کم‌امتیازترین بخش جامعه بهتر از آن باشد که هست. (رالز، ۱۹۷۱م، ص ۱۵۶-۱۷۰)

#### فمینیست‌ها

فمینیست‌ها، صرف‌نظر از رویکردهای متفاوتی که به مسائل زنان دارند، با توجه به مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های قابل فرض میان انسان‌ها، برابری میان زنان و مردان را در همه زمینه‌ها خواستارند. آنها با اعمال تبعیض علیه زنان به دلیل جنسیت مخالفت می‌کنند و خواهان برابری فرصت و برابری حقوق فردی و اجتماعی میان زنان و مردان‌اند.

#### جدول ۱. مقایسه دعای برخی از مکاتب فلسفی سیاسی درباره عدالت

ردیف	مکتب	مهم‌ترین دعای و آموزه‌ها
۱	محافظه‌کاری	نابرابری، ریشه در طبع انسان دارد. افزون بر این، نابرابری‌های اجتماعی، لازمه رشد و پیشرفت جامعه است. نفس امکان نابرابر بودن با دیگران، انگیزه کار و تلاش فردی است. از لحاظ سیاسی، کوشش برای ایجاد برابری مصنوعی در جامعه، به استبداد می‌انجامد. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰)
۲	لیبرالیسم	انسان‌ها آزادند و هر انسانی حق دارد بر طبق انتخاب‌های خودش عمل کند؛ تا آنجایی که موجب سلب آزادی دیگران نشود. دولت حداقلی که در منازعات اجتماعی بی‌طرف باشد، لازم است. (هوسپرس، ۱۹۹۷م، ص ۲۵ / بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۵۷). در جامعه آزاد، پاداش متناسب با شایستگی اخلاقی فرد است. (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۱۴۶ و ۱۶۰)



<p>۳</p>	<p>سوسیالیسم</p>	<p>نیل به برابری، آرمان سیاسی نهایی جامعه بشری است و برای حصول آن، القای مالکیت ضروری است و سرمایه باید به مالکیت عمومی برگردانده شود. درآمدهای جامعه باید به‌طور مساوی، بدون توجه به ویژگی‌های فردی و در واقع مبتنی بر نیازهای افراد کم‌و بیش مساوی، در اختیار افراد قرار گیرد. شیوه توزیع عادلانه، مبتنی بر تقسیم برابر میان افراد جامعه است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵-۲۹) هرکس به‌اندازه توانش، و به هرکس به‌اندازه نیازش. (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰)</p>
<p>۴</p>	<p>لیبرال دموکراسی</p>	<p>انسان‌ها موجوداتی آزاد، مختار و برابرند. اصول عقلانیت اقتصادی سرمایه‌داری و آزادی و برابری دموکراتیک مکمل یکدیگرند، تصور دولت حداقلی، که در منازعات اجتماعی بی‌طرف باشد. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۵۶-۵۷) عدالت، آمیزه‌ای از آزادی و برابری انسان‌هاست. (پورعزت، ۱۳۸۵، ص ۲۳) <b>دیدگاه فایده‌گرایی:</b> در این دیدگاه، عدالت، دوراندیشی و عمل عقلانی برای حفظ منافع فردی است که به شناسایی منافع دیگران هم نیاز دارد. عدالت، محدودیتی است که افراد ذی‌نفع خردمند بر خود تحمیل می‌کنند تا همکاری دیگران را جلب کنند. عدالت، هم به‌سود عامل است و هم به‌سود دیگران. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶) خیر کلی جامعه، از خیر یکایک اعضای آن تشکیل می‌شود. تضمین عدالت، تابع محاسبات منافع اجتماعی است. (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۶۷) <b>دیدگاه قراردادگرایی:</b> عدالت، به‌معنای کسب منافع متقابل بر اساس توافق و قرارداد است که در آن، انگیزه عمل عادلانه، تأمین منفعت درازمدت فرد است. (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶) <b>دیدگاه غایت‌گرایانه:</b> انگیزه عدالت، اساساً اخلاقی است، نه اقتصادی و نفع‌طلبانه. در این دیدگاه، عدالت به‌منزله بی‌طرفی است. (همان، ص ۱۱۷) هرکس متناسب با میزان سرمایه‌گذاری، اعم از اقتصادی و غیراقتصادی، سزاوار دریافت پاداش است. توزیع منابع کمیاب جامعه باید با ملاحظه استعدادها، شایستگی‌ها و توانایی‌های افراد صورت گیرد. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹)</p>
<p>۵</p>	<p>فمینیسم</p>	<p>عدالت، مستلزم دستیابی به برابری مرد و زن در همه حقوق اجتماعی است. (پورعزت، ۱۳۸۵، ص ۲۳)</p>

### آموزه‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، با مفادی که دارد، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام‌های لیبرال دموکراسی در سطح دنیا شمرده می‌شود. تأکید بر آزادی و برابری، جوهر اصلی این اعلامیه به‌شمار می‌رود.

#### جدول ۲. برخی از مهم‌ترین مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر

ردیف	آموزه‌های اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر	ماده قانونی
۱	همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند.	ماده ۱
۲	همه افراد بشر برابرند و از احترام مساوی برخوردارند.	ماده ۱
۳	همه افراد بشر، صرف‌نظر از نژاد، رنگ، جنس، تابعیت و زبان، از حقوقی برابر با دیگران برخوردارند.	ماده ۲
۴	همه افراد بشر، از حق حیات، آزادی و امنیت شخصی برخوردارند.	ماده ۳
۵	جایز نیست که هیچ احدی را تحت بردگی، شکنجه، حبس یا تبعید قرار داد.	مواد ۴، ۵ و ۹
۶	همه انسان‌ها در برابر قانون موقعیتی یکسان دارند.	ماده ۷
۷	استفاده از محکمه‌های عادلانه و مستقل برای تضمین حقوق فردی و اجتماعی بشر ضرورت دارد.	مواد ۸ و ۹
۸	هر فرد تا زمانی که ارتکاب آگاهانه وی به بزه و گناه محرز نشده باشد، بی‌گناه است.	ماده ۱۱
۹	اسم، شرافت و حریم خصوصی زندگی افراد، محترم شمرده می‌شود.	ماده ۱۲
۱۰	انسان‌ها حق دارند به‌طور آزادانه در هر مقطع از زمان، محل اقامت و تابعیت خود را انتخاب کنند.	مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵

منبع: (پورعزت، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

#### روش تحقیق

این مطالعه، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از سنخ استقرایی صورت گرفته است. منبع اصلی مورد استفاده، کل خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه بوده است. از میان مباحث مطرح‌شده در نهج‌البلاغه، فقط موضوعاتی که به عدالت مربوط بودند، گردآوری شد. واحد تحلیل، «عبارت» بوده است. مقوله‌ها با توجه به خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه و مرور ادبیات نظری موجود درباره عدالت، انتخاب شدند. برای انتخاب مقوله‌ها، معنای نزدیک و کاملاً مرتبط با موضوع عدالت در نظر گرفته شد.

## یافته‌های پژوهش

### معنای عدالت

عدالت در زبان فارسی به معنای داد کردن و انصاف داشتن است (معین، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷۹) و در زبان انگلیسی، به معنای تساوی، برابری، مانند و مثل است. (فرهنگ لانگمن، ۲۰۰۰، ص ۷۶۷) در دیدگاه اسلامی، گیتی بر اساس عدالت استوار است و هر چیز در جایگاه واقعی خود جای گرفته و وظیفه اصلی خویش را انجام می‌دهد. از نظر مفهومی، عدالت یعنی اعطا کردن حق هر صاحب حقی، یا قرار دادن هر چیزی در موضع و جایگاه خود. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۵ / مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۱۱) از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت، تدبیر عمومی مردم است؛ در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۵) عدل همان انصاف، و احسان همان بخشش است. (همان، ص ۶۷۹)

### ارکان عدالت

عدالت بر چهار پایه استوار است: فکری ژرف‌اندیش؛ دانشی عمیق و به حقیقت‌رسیده؛ نیک‌دآوری کردن؛ و استوار بودن در شکیبایی. کسی که درست‌اندیشید، به ژرفای دانش رسید؛ و آن کسی که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید؛ و کسی که شکیبا شد، در کارش زیاده‌روی نکرد و با نیک‌نامی در میان مردم زندگی خواهد کرد. (همان، ص ۶۲۹) به عبارت دیگر، عدل بر چهار پایه خرد، دانایی، اعتدال در قضاوت و مدارا استوار است.

### عدالت به مثابه امر اجتماعی

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، عدالت در اجتماع تحقق می‌یابد. هیچ‌کس در تنهایی خود نمی‌تواند عادل باشد. عدالت، صفتی است که در جمع تحقق می‌یابد. پیوند مفهومی عدالت با اندیشه مدنی‌الطبع بودن انسان، برای درک معنای عدالت از دیدگاه

حضرت علی علیه السلام دارای اهمیت است. نیاز انسان به اجتماع، تحقق بسیاری از صفات در جمع، و تأثیر اجتماع بر افراد، در بسیاری از فرموده‌های حضرت دیده می‌شود. از سوی دیگر، در کلام و منش مولا، عدالت مفهومی رابطه‌ای است؛ یعنی یک شخص در ارتباط با شخص دیگر می‌تواند ویژگی عدالت را بروز دهد. بیشتر سفارش‌های حضرت مبنی بر ملاحظه حقوق متقابل مردم، مؤید این مطلب است که در کنش متقابل میان افراد جامعه است که عدالت حضور و تداوم می‌یابد.

### عدالت و حق

از نظر مفهومی، هسته مرکزی عدالت در دیدگاه حضرت علی علیه السلام، «رعایت حق» است؛ تا آنجایی که عدالت با حق تعریف شده است: «وضع کل شیء فی موضعه» قرار دادن هر چیزی در موضع و جایگاه خود. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۵) مردم در عرصه زندگی اجتماعی، از حقوق گوناگونی برخوردارند و حاکم اسلامی موظف است این حقوق را پاس بدارد و مانع تضییع آن شود. از حق خارج شدن و عدول از آن، موجب ستمگری می‌شود نه تنها حاکم اسلامی باید حق را رعایت بکند، بلکه اقشار مختلف مردم و همچنین کارگزاران حکومت، موظف به رعایت حق‌اند. در سطح روابط متقابل اجتماعی، حضرت بر رعایت حق خویشاوندان، برادران دینی، و دوستان و همسایگان تأکید کرده‌اند. و در سطح رابطه زمامدار با مردم نیز حضرت به حقوقی چون حق مردم، حق آزادی (آزادی شخصی، آزادی عقیده، آزادی سیاسی و آزادی مذهبی)، حق حیات و امنیت شخصی، حق برخورداری از یک زندگی انسانی، حق مبارزه با ستمکار، و حق رجوع به محاکم صالحه اشاره کرده‌اند. نکته محوری در اندیشه حضرت این است که در تمامی این حقوق، مردم با یکدیگر برابرند و کسی را بر دیگری برتری یا امتیاز خاصی نیست. از فرموده‌های حضرت است که:

ای مالک! بدان مردم از گروه‌های گوناگونی هستند که اصلاح هر یک، جز با دیگری امکان ندارد. برای تمام اقشار جامعه در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود، بر زمامدار، حق مشخص دارند؛ و زمامدار

از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است، نمی‌تواند موفق شود، جز آنکه تلاش فراوان نماید؛ و از خدا یاری طلبد؛ و خود را برای انجام حق آماده سازد؛ و در همه کارها آسان باشد یا دشوار شکیبایی ورزد. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۵۷۵)

باید کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد؛ زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی‌شود.

از آنچه که همانند آن را بر دیگران نمی‌پسندی؛ پرهیز کن. نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی بوده و از کیفر او هراسناکی، به انجام آنچه خداوند بر تو واجب گردانیده است، وادار ساز. بدان که دنیا سرای آزمایش است و دنیاپرست، ساعتی در آن نمی‌آساید؛ جز آنکه در روز قیامت از آن افسوس می‌خورد؛ و هرگز چیزی تو را از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند. (همان، ص ۵۹۷)

آگاه باشید، حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی، هیچ رازی را از شما پنهان ندارم؛ و کاری را جز حکم شرع بدون مشورت با شما انجام ندهم؛ و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین‌شده به آن پردازم. (همان، ص ۵۶۳)

### عدالت به مثابه مساوات

در بیانات مختلف حضرت، عدل در معنای مساوات به کار رفته است. لازم به ذکر است، مساوات به معنای برابری افراطی بدون در نظر گرفتن استعداد های افراد و تلاش‌های آنان نیست. از نظر ایشان، عدالت در عرصه اقتصادی به معنای برابری مردم در برخورداری و بهره‌مندی از اموال عمومی (بیت‌المال)، و در برآورده شدن نیازهای مادی، روانی و اجتماعی همه مردم است.

آگاه باشید، حق شما بر من آن است که ... با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم. (همان، ص ۵۶۳)

آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم به خدا سوگند، تا عمر دارم و روز و شب برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد.

اگر این اموال از آن خودم بود، به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم؛ تا چه رسد که جزو اموال خداست. (همان، ص ۲۳۹)

اما اعتراض شما که چرا با همه به تساوی رفتار کردم؛ این روشی نبود که به رأی خود و یا با خواسته دل خود انجام داده باشم؛ بلکه من و شما اینگونه رفتار را از دستورالعمل‌های پیامبر اسلام ﷺ آموختیم. پس در تقسیمی که خدا به آن فرمان داد، به شما نیازی نداشتم. (همان، ص ۴۲۷)

### مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال

در دوره زمامداری حضرت، مرزهای سرزمین‌های اسلامی بسیار گسترش یافته بود و گروه‌های مختلف قومی و نژادی به اسلام گرویده بودند. از همین روی، حضرت با تأکید بر مساوات، راه‌های تبعیض‌آمیز را که مسلمانان را بر اساس حسب و نسب، و نژاد و رنگ و قومیت بر یکدیگر برتری دهد، مسدود نمودند. از سوی دیگر، رویه‌های مرسوم در زمان خلفای پیشین؛ که مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال را نادیده می‌گرفت، مورد تأیید ایشان نبود. البته لازم به ذکر است که «بهره‌مندی از بیت‌المال، در دوره ابوبکر مانند دوران پیامبر ﷺ بود؛ اما وقتی عمر خلافت را به‌دست گرفت، پیشی‌گیرندگان در اسلام را بر غیر آنها، مهاجران قریش را بر مهاجران غیرقریش، و تمام مهاجران را بر انصار برتری داد؛ و عرب را بر عجم مزیت بخشید». (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۷۱) بنابراین، حضرت منظور کردن بخشی از درآمدها برای عموم مردم و تقسیم مساوی در بین آنها را برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان، ضروری می‌دانست.

همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ به‌طور مساوی اموال را تقسیم می‌فرمود، من نیز عمل کردم تا اموال مانند گوی در بین ثروتمندان قرار نگیرد.

آگاه باشید، هر فردی از مهاجران و انصار از اصحاب رسول خدا ﷺ خود را در برابر دیگران به‌سبب مصاحبت با پیامبر ﷺ دارای فضل بدانند، باید بدانند که فضل روشن در فردای قیامت، نزد خداست. شما مردم بندگان خدا هستید و مال، مال

خداست که آن را بین شما به صورت مساوی تقسیم می‌کنم و هیچ کس را در برابر دیگری برتری نیست. افراد پرهیزگار، فردا (قیامت) پاداش می‌گیرند و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است. فردا نزد من آید. نزد من مالی است که میانتان تقسیم خواهم کرد و درباره‌ی هیچیک از شما تخلف نخواهد شد؛ چه عرب باشد، چه عجم؛ اهل عطا باشد یا نه. (همان، ص ۷۲-۷۳)

در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن و آن را به عیال‌مندان و گرسنگان پیرامونت ببخش و به مستمندان و نیازمندی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند، برسان؛ و مازاد را نزد ما بفرست تا در میان مردم نیازمند تقسیم گردد. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۶۰۹)

خدا را، خدا را، در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه.

بخشی از بیت‌المال و بخش از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده. برای دورترین مسلمانان، همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد.

از یتیمان خردسال و پیران سال‌خورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دل‌جویی کن. این گروه در میان رعیت، بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند. (همان، ص ۵۸۳)

### مساوات در برآورده کردن نیازهای مادی، روانی و اجتماعی مردم

یکی از وظایف زمامدار اسلامی و صاحبان منصب در جامعه اسلامی، دقت و توجه به نیازهای مادی، روانی و اجتماعی مردم است. توصیه حضرت به کارگزاران، مؤید توجه به برطرف کردن نیازهای گوناگون زیردستان است. در فرموده‌های حضرت است که:

در روابط خود با مردم، انصاف داشته باشید و در برآورده شدن نیازهایشان شکیبا باشید. (همان، ص ۵۶۳)

نیازهای مردم را در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت از پاسخ دادن به آن ناتوان‌اند برآورده کن. (همان، ص ۵۸۵)

برگزیده‌ترین فرمانده سپاه تو کسی است که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند؛ از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد؛ به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه و خودشان در آسایش کامل باشند. مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند. آرزوهای سپاهیان را برآور؛ همواره از آنان ستایش کن؛ کارهای مهمی که انجام داده‌اند، بر شمار؛ در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هریک از آنان را شناسایی کن؛ هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذار؛ ارزش خدمات کسی را ناچیز مشمار. شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری؛ گمنامی کسی باعث نشود کار بزرگ او را ناچیز بدانی. (همان، ص ۵۷۵-۵۷۷)

روزی فراوان بر کارگزاران ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح امور می‌کوشند؛ و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند. (همان، ص ۵۷۹)

پس از انتخاب قاضی، آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد؛ و از نظر مقام و منزلت، آن قدر او را گرامی بدار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند و از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد. (همان، ص ۵۷۷)

همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است. پس فقری گرسنه نمی‌ماند، جز به کامیابی توانگران؛ و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید. (همان، ص ۷۰۹)

### مساوات در برابر قانون

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام همه مردم در برابر قانون، برابر و یکسان‌اند؛ از این رو، نمی‌توان سفید را بر سیاه، و دانا را بر نادان ترجیح داد؛ یا قانون را به نفع جناح و گروه خاصی تفسیر و تحلیل کرد. بنابراین، تبعیض در جایی که همه دارای حقوق برابرند، ناروا است.

بپرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری، که بهره همه مردم در آن یکسان است. (همان، ص ۵۹۱)

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند؛ ریشه ستمکاریشان را با بریدن



اسباب آن بخشکان؛ و به هیچکدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن؛ به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند. (همان، ص ۵۸۷)

با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با رعایا که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن. (همان، ص ۶۱۹)

### مساوات در امر دادرسی

یکی از اصول حاکم بر دادرسی، رعایت مساوات در امر دادرسی است. بر قاضی واجب است بین دوطرف دعوا در مجلس دادرسی با مساوات رفتار کند. قاضی نباید بین افراد صاحب قدرت و افراد ناتوان، و فقیر و غنی، تبعیض روا دارد. اصل و قاعده رعایت بی‌طرفی، سبب حفظ حقوق فردی و اجتماعی افراد می‌شود. سفارش‌های حضرت به قضات و خصوصیات که قاضی باید داشته باشد، مؤید این مطلب است. «در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند». (همان، ص ۵۰۹)

### عدالت به معنای رعایت حقوق انسانی

عدالت به‌منابه رعایت حقوق، از یک سو به این معناست که همه شهروندان جامعه اسلامی دارای حقوقی یک‌سان‌اند که حاکم اسلامی ملزم به رعایت آنهاست؛ و از سوی دیگر، بین حق و تکلیف، تناسب برقرار است. بر مبنای این اصل، در برابر هر حقی که برای انسان ایجاد می‌شود، تکلیفی متناسب با آن بر عهده او خواهد بود. برای مثال، چنین نیست که تنها مردم در برابر زمامدار صاحب تکلیف باشند و متقابلاً زمامدار تکلیف و حقی در برابر مردم نداشته باشد. در حقیقت، عدالت و ظلم در جایی به کار می‌روند که حقوق مراعات یا تضییع شود.

حق را به صاحب حق، هرکس که باشد، نزدیک یا دور، پرداز؛ و در این کار شکیباش، و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار؛ گرچه اجرای حق، مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد. (همان، ص ۵۸۷)

ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن‌که از خیرخواهی شما دریغ نورزم؛ و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم؛ و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید؛ و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و پنهان برایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را خواندم؛ اجابت نمایید و فرمان دادم، اطاعت کنید. (همان، ص ۸۷ و ۸۹)

مرا با سخنان زیبایی خود مستایید تا از عهده‌وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم، برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم.

با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید؛ و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوید؛ و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید. گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید. از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم، نمی‌دانم؛ مگر آنکه خداوند مرا حفظ فرماید. (همان، ص ۴۴۵)

### رعایت حقوق مذاهب دیگر

همانا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من درباره آنها اندیشیدم؛ نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرک‌اند؛ و نه سزاوار قساوت و سنگدلی‌اند، زیرا که با ما هم‌پیمان‌اند. پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را با هم بیامیز؛ رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش. اعتدال را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن. (همان، ص ۴۹۹)

### رعایت حقوق مجرمین

از دیدگاه حضرت، همه مردم حقوقی یک‌سان دارند که حاکمان موظف به رعایت آن هستند. مجرمین، گرچه از قوانین جامعه تخطی کرده‌اند، اما با اجرای حدود الهی، از تمامی حقوق خود برخوردارند و کسی نمی‌تواند آنان را از مواهب زندگی در جامعه

اسلامی محروم کند. در اجرای حدود الهی بر مجرمین نیز نباید از عدالت و انصاف خارج شد و به سبب احساسات شخصی یا اجتماعی، از حدود الهی پیشی گرفت. خداوند حدودی را مقرر فرموده است. پس، از آنها تجاوز نکنید. (حرعاملی، ج ۱۸، ص ۳۱۲ به نقل از میرخلیلی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۲)

همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زناکاری را که همسر داشت، سنگسار کرد؛ سپس بر او نماز گزارد و میراثش را به خانواده‌اش سپرد. قاتل را کشت و میراث او را به خانواده‌اش بازگرداند. دست دزد را برید و زناکاری را که همسر نداشت تازیانه زد و سهم آنان را از غنایم می‌داد تا با زنان مسلمان ازدواج کنند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را برای گناهانشان کیفر می‌داد و حدود الهی را بر آنان جاری می‌ساخت؛ اما سهم آنان را از عواید اسلامی از بین نمی‌برد و نام آنها را از دفتر مسلمین خارج نمی‌ساخت. (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱)

### رعایت حقوق مخالفان

آزادی، از جمله حقوقی است که هیچ‌کس جز خداوند حق محدود کردن آن را ندارد. این جمله معروف حضرت که «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» یا «ای مردم! آدم عبد یا کنیز آفریده نشده است و همه مردم آزادند»، (همان، نامه ۵۳) حاکی از آن است که تحدید آزادی‌ها و نقض حقوق مردم، از مصادیق بی‌عدالتی شمرده می‌شود. از سوی دیگر، در منش حضرت بارها دیده شده است که هیچ‌گاه آزادی بیان را محدود نکردند و کسی را به جرم اعتقاد یا بیان مطلبی مخالف خود، مجازات نفرمودند. برخورد صبورانه حضرت با ناسزاگویی مخالفان، عفو مخالفان (عفو مروان، عایشه، و کسی که به جان او سوءقصد کرد)، عدم اجبار به بیعت، قطع نکردن حقوق خوارج از بیت‌المال، و برآورده کردن نیازها و حواجی دشنام‌دهندگان، همگی حاکی از رعایت حقوق مخالفان در زمان حضرت است. (شیرازی، ۱۳۸۵ / حقیقت، ۱۳۸۲)

### عدالت به معنای رعایت شایستگی‌ها

عدالت در معنای رعایت شایستگی‌ها، با تلفیق مفهوم رعایت حقوق و تناسب پاداش‌ها با نحوه عملکرد و میزان تلاش و کوشش افراد قابل درک است. عدالت در موقعیتی تحقق می‌یابد که در آن شایستگی‌های افراد به‌طور کامل رعایت شده باشد. عدالت در اینجا، قرار دادن هر کس در جای خویش و برحسب شایستگی‌های اوست. عدالت با این فضای مفهومی به این معناست که در انتخاب و واگذاری مسئولیت‌های مختلف باید صلاحیت و شایستگی افراد را در نظر گرفت. واگذاری مسئولیت به افراد فاقد صلاحیت و شایستگی، خود نوعی بی‌عدالتی شمرده می‌شود. شایستگی افراد، تنها با مهارت شغلی ارتباط ندارد؛ بلکه با ویژگی‌های اخلاقی مرتبط با هر شغل و ایمان و سابقه خانوادگی آنان نیز مرتبط است.

عدالت، کارها را بدان جا نهد که باید. (همان، ص ۷۳۴)

برای فرماندهی نظامی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد؛ دیر به خشم آید؛ عذرپذیرتر باشد، با قدرتمندان با قدرت برخورد کند؛ درشتی، او را به تجاوز نکشاند؛ و ناتوانی، او را از حرکت باز ندارد. (همان، ص ۵۷۵)

از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به‌ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد؛ طمع را از دل ریشه‌کن کند؛ در شناخت مطالب، به تحقیق اندک رضایت ندهد؛ در شبهات، از همه با احتیاط‌تر عمل کند؛ در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد؛ از مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود؛ در کشف امور، از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد؛ کسی که ستایش فراوان، او را فریب ندهد؛ و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد؛ و چنین کسانی بسیار اندک‌اند. (همان، ص ۵۷۷)

کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا و از خاندان‌های و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبروی‌شان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری‌شان بیشتر است. (همان، ص ۵۷۹)

### شیوه‌های اجرای عدالت

شیوه‌های اجرایی حکومت و نحوه عملکرد کارگزاران حکومتی، عاملی تعیین‌کننده در برقراری عدالت در جامعه است. از همین روست که حضرت به فرمانداران، کارگزاران و حاکمان توصیه‌هایی بسیار دقیق و ظریف ارائه می‌کنند که عدالت را در جامعه نهادینه سازند و از بروز ظلم جلوگیری کنند. برای درک راهکارهایی که حضرت علی علیه السلام ارائه کرده‌اند، باید به این نکته اشاره کرد که از دیدگاه آن حضرت، مفهوم عدالت چندبعدی است و با ارکان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد و ایشان در اجرای عدالت، بر عفو و بخشش، مهربانی و محبت، و ملاحظه حقوق مردم به شدت تأکید کرده‌اند.

### رفتار محبت‌آمیز با مردم

حاکم اسلامی و کارگزاران، در اجرای عدالت باید با مردم با رحمت و محبت رفتار کنند: در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن. در جایی که جز با درستی کار انجام نگیرد، درستی کن. پر و بالت را برابر رعیت بگستران. با مردم گشاده‌روی و فروتن باش. (همان، ص ۵۵۹) مهربانی را پوشش دل خویش قرار ده. با همه، دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چون حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان‌گیر؛ آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. بر بخشش دیگران پشیمان مباش. از کیفر کردن، شادی مکن. (همان، ص ۵۶۷) با مردم، تندخو نباش. به آنها دروغ نگو. به مردم بی‌اعتنایی نکن. در زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است. (همان، ص ۵۰۷ و ۵۰۹)

### پرهیز از استبداد و تکبر

حاکم اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها باید عاقلانه، بر مبنای شریعت و با در نظر گرفتن منافع عمومی و مصالح دینی اقدامات خود را سامان دهد:

از خشمی که توانی از آن رها گردی، شتاب نداشته باش.

به مردم نگو: به من فرمان دادند؛ من نیز فرمان می‌دهم؛ پس باید اطاعت شود.

اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است، بنگر؛ که تو را از آن نجات می‌دهد؛ تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی خود برمی‌گرداند. (همان، ص ۵۶۹)

با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، کارگزاران را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری است. (همان، ص ۵۷۹)

اگر رأی و اندیشه‌ی زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت باز می‌دارد. (همان، ص ۵۹۷)

### توجه به سنت‌های پسندیده اجتماعی

«حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های باارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان، و آثار پیامبر و واجباتی را که در کتاب خداست همواره به یاد آور». (همان، ص ۵۹۱)

### حضور در بین مردم

هیچ‌گاه خود را از مردم، بسیار پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی از امور جامعه است. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند؛ زشت، زیبا می‌نماید؛ و باطل به لباس حق درمی‌آید. حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود. یا تو خود را برای جانبازی در راه حق آماده کرده‌ای، که در این حال نسبت به حق واجب یا کار نیکی که باید انجام

دهی ترسی نداری؛ پس چرا خود را پنهان می‌داری؟ یا مردی بخیل و تنگ‌نظری، که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند، مایوس شده از درخواست کردن بازمانند. با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم، رنجی برای تو نخواهد داشت؛ که شکایت از ستم دارند یا خواستار عدالت‌اند یا در خرید و فروش، خواهان انصاف‌اند. (همان، ص ۵۸۷)

بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین؛ و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش؛ و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت‌وگو کند.

من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد. پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خویش را به روی تو بگشاید. (همان، ص ۵۸۵)

با مردم به‌هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده‌رو باش؛ و از خشم بپرهیز که سبک‌مغزی به تحریک شیطان است. (همان، ص ۶۱۹)

هیچ نیازمندی را از دیدارت محروم مکن؛ زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود، دیگر تو را نستاید. (همان، ص ۶۰۹)

### گفت‌وگو با دانشمندان و مردم

با دانشمندان، فراوان گفت‌وگو کن؛ و با حکیمان، فراوان بحث کن؛ که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشته است. (همان، ص ۵۷۳)

در بامداد و شامگاه، در یک مجلس عمومی بنشین؛ آنان را که پرسش دینی دارند، با فتواها آشنایشان بگردان؛ و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفت‌وگو پرداز. (همان، ص ۶۰۹)

### وضع نظام تشویق و تنبیه

هرگز، نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری، بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری، تشویق می‌گردند؛ پس هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. (همان، ص ۵۷۱)

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج‌شده را هرکجا که بیابیم، به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانیم؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند. (همان، ص ۵۹)

### نظارت بر گزینش و نحوه عملکرد کارگزاران

در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار. از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن. با جاسوسانی وفایسته و راستگو، بازرسانی بر آنان بگمار. اگر کسی دست به خیانت زد و گزارش جاسوسانت آن را تأیید کرد، اموالی را که در اختیار دارد از او پس بگیر و او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیکفن. (همان، ص ۵۷۹)

### نظارت و رسیدگی به امور اقتصادی

باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد؛ زیرا خراج، جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد. آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به‌دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود [می‌سازد]، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. به مردم در شرایط سنگینی مالیات، آفت‌زدگی، خشک شدن آب چشمه‌ها یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشک‌سالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد. هرگز تخفیف دادن در خراج، تو را نگران نسازد؛ زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو نقش دارد؛ رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت در میان مردم خشنود خواهی شد.



عمران و آبادانی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. ویرانی زمین، به جهت تنگ‌دستی کشاورزان است؛ و تنگ‌دستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند. (همان، ص ۵۷۹ و ۵۸۱)

در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند، می‌فروشند. که این سودجویی، برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است.

از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می‌کرد. کسی که پس از منع تو احتکار کند، کیفر ده تا عبرت دیگران شود؛ اما در کیفر او اسراف مکن.

باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به‌سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد؛ با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیان نمی‌رساند. (همان، ص ۵۸۳)

### نظارت بر شیوه‌های اخذ مالیات

از بنده خدا به گردآورندگان مالیات؛ پس از یاد خدا و درود، همانا من سپاهیانم فرستادم. آنچه خدا بر آنان واجب کرده، به ایشان سفارش کردم و بر آزار نرساندن به دیگران و پرهیز از هرگونه شرارتی تأکید کردم. من از آزار رساندن سپاهیان به مردم بیزارم. (همان، ص ۵۹۹)

با ترس از خدایی که یکتاست، حرکت کن؛  
در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان؛  
به‌زور از زمین او نگذر؛  
افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر؛  
هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو؛  
سپس با آرامش و وقار به‌سوی آنان حرکت کن تا در میانشان قرار گیری؛

به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی، کوتاهی نکن؛ اگر کسی گفت «نه»، دیگر به او مراجعه نکن؛ و اگر کسی پاسخ داد «آری»، همراهش برو؛ بدون آن که او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی؛ هرچه از طلا و نقره به تو رساند، بردار؛ و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو؛ آن‌گاه که داخل شدی، مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن؛ حیوانی را رم مده و هراسان نکن و دام‌دار را مرنجان؛ حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و به صاحبش اجازه ده که خود انتخاب کند؛ برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده‌کاری را نفروشد؛ و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه زنید و به مال کسی دست درازی نکنید. جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته می‌شود. (همان، نامه ۲۵، ص ۵۰۵)

### توجه به اخلاق در اجرای عدالت

به ریسمان قرآن چنگ بزن و از آن نصیحت پذیر؛ حلاش را حلال، و حرامش را حرام بشمار. حقی را که در زندگی گذشتگان بود، تصدیق کن. از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر.

نام خدا را بزرگ دار و جز به حق، سخنی بر زبان نیاور. مرگ و جهان پس از مرگ را فراوان به یاد آور. از کاری که تو را خشنود سازد و عموم مسلمانان را ناخوشایند باشد، پرهیز. از هر کاری که از آشکار شدنش شرم داری، پرهیز کن. از هر کاری که کننده آن نپذیرد یا عذرخواهی کند، دوری کن. هر چه شنیدی، بازگو مکن، که نشانه دروغ‌گویی است.

هر خبری را دروغ مپندار، که نشانه نادانی است.  
خشم را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش.  
به هنگام خشم، فروتن باش؛ تا آینده خوبی داشته باشی.  
در حکومت مدارا کن.

نعمت‌هایی که خدا به تو بخشیده، نیکو دار؛ و نعمت‌هایی را که در اختیار داری، تباه مکن؛ و چنان باش که خدا آثار نعمت‌های خود را در تو آشکارا بنگرد. (همان، ص ۶۱۱)  
هرگاه رعیت به تو بدگمان گردد، عذر خویش را با آنان در میان بگذار و با این کار، از بدگمانی نجاتشان بده، که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است؛ و این پوزش خواهی تو، آنان را به حق وامی‌دارد. (همان، ص ۵۸۷)  
از آنچه که همانند آن را بر دیگران نمی‌پسندی، پرهیز کن.  
نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی بوده و از کیفر او هراسناکی، به انجام آنچه خداوند بر تو واجب گردانیده است، وادار ساز.  
بدان که دنیا سرای آزمایش است و دنیاپرست ساعتی در آن نمی‌آساید؛ جز آنکه در روز قیامت از آن افسوس می‌خورد و هرگز چیزی تو را از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند. (همان، ص ۵۹۷)

### نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی، به‌عنوان یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث اجتماعی، همواره مورد توجه بوده است؛ چرا که بقای هر جامعه و تداوم آن، به اجرای عدالت بستگی دارد. اجرای عدالت در سه عرصه اقتصاد، اجتماع و سیاست، موجب حفظ و توازن جامعه و حفظ اتحاد و یک‌پارچگی و وفاق اعضای جامعه با یکدیگر می‌شود. عدالت اقتصادی، ناظر به عادلانه بودن توزیع کالا و خدماتی است که به‌سبب کمیاب بودن، مورد توجه آحاد جامعه است. عدالت سیاسی، به چگونگی توزیع منابع قدرت، سطوح قدرت و میزان برخورداری از منابع قدرت توجه دارد؛ و عدالت اجتماعی، به چگونگی توزیع پاداش‌ها در میان اقشار مختلف اجتماعی می‌پردازد. در این پژوهش، تحلیل محتوای بیانات حضرت علی علیه السلام نشان داد عدالت در اندیشه آن حضرت جایگاهی

محوری دارد. گفتار و منش حضرت در پنج سال حکومت خود، نشان می‌دهد موضع ایشان در برابر قدرت، موضع یک مصلح اجتماعی است.

در اندیشه حضرت علی علیه السلام عدالت در سه قلمرو سیاست، اجتماع و اقتصاد قابل مطالعه است. در عرصه سیاسی، حضرت عدالت را به معنای برابری، و برابری را معادل انصاف می‌دانند. از دیدگاه ایشان، انصاف به معنای اتخاذ روش‌های بی‌طرفانه در اعمال قدرت، و جلوگیری از تبعیض در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است. در عرصه اقتصاد، برابری به معنای مساوات در برخورداری از اموال عمومی و رفع نیازهای افراد جامعه است. در عرصه اجتماع، برابری معادل مفهوم شایستگی است. در نظام تقسیم کار اجتماعی، حق افراد، متناسب با شایستگی آنان در ایفای وظایف محوله تعیین می‌شود. هرگز نیکوکار و بدکار، دانا و نادان، خیانت‌کار و امانت‌دار با هم برابر نیستند. از دیدگاه حضرت، در تمامی این عرصه‌ها، مفهوم عدالت با اخلاق ارتباط قابل ملاحظه‌ای دارد. پس زمامدار اسلامی باید بر اعمال کارگزاران خود نظارت کند تا بتواند عدالت را به درستی اجرا کند. منش حضرت نیز در اعمال قدرت بر مردم، نشان می‌دهد ایشان به شدت بر موازین اسلامی، ساده‌زیستی و دوری از خویشاوندگرایی و تأکید بر رفع تبعیض در هر شکل و صورت، اصرار داشته‌اند.

بحث عدالت، معمولاً با مفهوم قدرت پیوند می‌یابد. در اندیشه سیاسی، قدرت به رابطه سلطه‌آمیز یک گروه بر گروه دیگر اطلاق می‌شود. در این رابطه، فرادستان، صاحبان امتیازات یا منافع زیادی هستند و حق استفاده انحصاری آن را برای خود در نظر می‌گیرند. روابط سلطه‌آمیز، از سنخ روابط نابرابر است که نوعی هژمونی را به گروه‌های زیر سلطه اعمال می‌کند. احساس آسیب‌پذیری زیردستان، احساس بی‌قدرتی در برابر قدرتمندان، و الزام زیردستان به اطاعت بی‌چون‌وچرا، از جمله ویژگی‌های ارتباط سلطه‌آمیز است. (کلگ، ۱۳۷۹)

حاکمیت در برخی نظام‌ها (به‌ویژه نظام‌های سلطنتی) به خداوند نسبت داده شده، مسئولیت در برابر خدا، مستلزم عدم مسئولیت در برابر خلق خدا فرض می‌شود. در دیدگاه حضرت علی علیه السلام، عدالت راهکاری برای تحدید و تنظیم قدرت به‌سود

زیردستان است. مردم، رعایای حاکمان‌اند (کلکم راع و...) و حاکم اسلامی نمی‌تواند به امور آنان بی‌توجه باشد. این راهکار، پیش از هر چیز در اندیشه ازبین بردن روابط اجتماعی استثمارگرانه، نابرابر و ستم‌کارانه است. در نظر گرفتن مردم به‌عنوان یک گروه دارای حقوق مشخص، و مسئولیت حاکم در قبال آنان، از کلیدی‌ترین نکاتی است که فهم دیگر ابعاد عدالت از دیدگاه حضرت، با آن میسر است.

از این روست که بیشترین تأکیدات حضرت در اجرای عدالت، مربوط به حوزه سیاسی است؛ چراکه این حوزه برای نهادینه شدن عدالت بسیار مهم است. نظام سیاسی به‌دلیل استفاده انحصاری از قدرت و تسلط بر مردم، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لازم است برای کنترل و مهار کردن آن فکری اندیشیده شود. از دیدگاه حضرت، بقای دولت اسلامی جز از مجرای تأمین عدالت اجتماعی ممکن نیست. قدرت در جامعه آرمانی اسلامی، عدالت‌محور است. به این معنا که صاحبان موقعیت و منصب سیاسی، دارای امتیازات خاص نیستند و همانند دیگر مردم از یک مجموعه حقوق و وظایف برخوردارند و در نهایت کارگزار جامعه اسلامی شمرده می‌شوند. اعمال قدرت از سوی حاکمان اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که از بروز ظلم در جامعه جلوگیری کند. به عبارت دیگر، نظام سیاسی عدالت‌محور، موظف به تأمین مصلحت عمومی مردم، تأمین حقوق و تأمین رفاه و حقوق رعیت است.

از سوی دیگر، رعایت حقوق اقشار گوناگون مردم از جانب زمامدار اسلامی، از جمله سپاهیان، بازرگانان و صاحبان صنایع، قضات و داوران، کارگزاران دولتی، نویسندگان و منشیان، و توده مردم و محرومان و مستضعفان، نشان از گسترده بودن مفهوم عدالت در نزد ایشان است؛ به‌گونه‌ای که زمامدار اسلامی نمی‌تواند به حقوق اقشار گوناگون جامعه اسلامی بی‌تفاوت باشد و موظف است ضمن انجام وظایف رهبری، عدالت را در عرصه‌های مختلف جامعه تحقق بخشد.

شیوه‌های اجرایی عدالت که با ظرافت و دقت در لابه‌لای خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت بیان شده‌اند حاکی از آن است که عدالت، مفهومی خشک و متصلب نیست و با رأفت و محبت همراه با قاطعیت، به شیوه‌ای همه‌جانبه قابل

اجراست. تحقق عدالت در جامعه، منوط به گره خوردن مفاهیمی چون برابری و تساوی در برخورداری از امکانات مادی و معنوی، برابری در رفع نیازهای اساسی، و رعایت شایستگی‌های افراد جامعه در دستیابی به مناصب اجتماعی است. به عبارت دیگر، رعایت تساوی و برابری در توزیع ثروت و رعایت حقوق افراد، شرط لازم برای تحقق عدالت است؛ اما شرط کافی نیست. شرط کافی برای تحقق عدالت، رعایت شایستگی‌های افراد و استحقاق افراد جامعه است. از سوی دیگر، زمانی شاهد جامعه‌ای عادلانه خواهیم بود که زمینه و بستر اجتماعی جهت رشد و شکوفایی استعدادهای افراد فراهم باشد؛ و این میسر نمی‌شود، مگر از رهگذر یک حکومت عادلانه که ساختاری عدالت محور داشته باشد.

در مجموع، عدالت در دیدگاه حضرت علی علیه السلام امری اجتماعی است و در تمامی ارکان جامعه، با مفاهیم حق، نیاز، شایستگی، مساوات و برابری گره خورده است. در این دیدگاه، ریشه نابرابری‌ها و روابط ناعادلانه اجتماعی، در کامیابی نامشروع گروهی در نظر گرفته می‌شود که گروهی دیگر را با وجود شایستگی‌ها، تلاش‌ها و حقوق اجتماعی‌شان، از فرصت برخورداری از امکانات موجود محروم کرده‌اند.

## فهرست منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم*، ترجمه، محمدعلی انصاری، مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۵.
۲. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ترجمه، محمد دشتی، قم، پارسایان، ۱۳۸۴.
۳. ابن‌هلال ثقفی، ابراهیم، *الغارات*، ترجمه، عبدالمحمد آیتی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، «عدالت در اندیشه سیاسی غرب»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال چهاردهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر، ۱۳۷۹.
۵. بشیریه، حسین، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم؛ لیبرالیسم و محافظه‌کاری*، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
۶. بختیاری، صادق، «عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی علیه السلام»، *اندیشه حوزه*، سال هفتم، شماره دوم، مهر و آبان، ۱۳۸۰.
۷. ادیب حاج باقری، محسن و همکاران، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، بشری، ۱۳۸۶.
۸. پیر بدافی، فاطمه، «تحلیل محتوای کمی و کیفی»، *پیام پژوهش*، سال نهم، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۸.
۹. پورعزت، علی‌اصغر، «تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خط‌مشی‌گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه‌های نهج‌البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۰، زمستان، ۱۳۸۵.
۱۰. حسینی، سیدرضا، «سیره اقتصادی امام علی علیه السلام»، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، ج ۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۱. حکیم‌آبادی، محمدتقی، «دولت و سیاست‌های اقتصادی»، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، ج ۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۲. جعفری، محمدتقی، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۹.
۱۳. جورداق، جورج، *امام علی علیه السلام ندای انسانیت*، ترجمه ابوالحسن شعرانی، قم، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۲۲.
۱۴. رضانی، احمد، «آیین دادرسی»، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، ج ۵، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۵. رهبر، محمدتقی، *سیاست و مدیریت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۶. ساندل، مایکل، لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۷. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، تاریخ تحلیلی زندگانی امیرالمومنین علی علیه السلام، قم، صحیفه، ۱۳۷۳.
۱۸. سیدمن، استیون، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۹. شیرازی، سیدصادق، اسلام و سیاست، مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله سلسله، ۱۳۸۵.
۲۰. شریعتی، علی، مجموعه آثار، ج ۲۶، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۲.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت‌الله دغاقله، عقیق، «مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴، ۱۳۸۷.
۲۲. قربانی، زین‌العابدین، حقوق از دیدگاه نهج‌البلاغه، یادنامه کنگره هزاره نهج‌البلاغه تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۰.
۲۳. کرمی، محمدمهدی، دیرباز، عسکر، «عدالت اقتصادی»، دانشنامه امام علی علیه السلام ج ۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۴. کلگ، استوارت آر، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۲۵. محقق داماد، سیدمصطفی، «حقوق بشر»، دانشنامه امام علی علیه السلام ج ۵، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۶. مطهری، مرتضی، سیری در نهج‌البلاغه، چاپخانه رودکی، ۱۳۵۴.
۲۷. \_\_\_\_\_، بیست گفتار، قم، صدرا، ۱۳۵۸.
۲۸. منتظر القائم، اصغر، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
29. John Rawls, **A Theory of Justice (TJ)**, Cambridge etc. Belknap Press of Harvard University Press, 1971.